

## بررسی عبودیت در تربیت اسلامی

مارال ثانی (نویسنده مسئول)

آموزگار آموزش و پرورش تهران-ری، کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، گروه علوم تربیتی، ایران  
maralsani.ms@gmail.com

### چکیده

سابقه و هدف: هدف این پژوهش بررسی عبودیت در تربیت اسلامی است. پیام آوران الهی آمده اند تا زمینه های این تحول بزرگ را در وجود انسان فراهم آورند و آنان را از این برهوت ظلمانی به نور هدایت رهنمون سازند. تردیدی نیست که اگر انسان بر اساس معیارهای الهی تربیت نشود در همان مرتبه حیوانیت باقی خواهد ماند.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش انسان، شگفت انگیزترین آفریده خدای بزرگ و والاترین نشانه قدرت بی منتهای اوست. انسان، مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است. او را خلق کرد تا به مقام قرب الهی و جانشینی خدا در زمین برسد و این سیر جز با تربیت صحیح محقق نخواهد شد. حقیقت انسان، ملکوتی است که با طی مراتب قوس نزولی در این عالم خاکی سکنی گزیده است و تربیت تنها راه دستیابی به آن حقیقت مقدس است. قرآن کریم و سنت بهترین راه تربیت را که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و نیازهای اوست، ارائه می کند.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که انسانها باید خود را برای تصعید شخصیت آماده کنند. این آمادگی اگر جدی باشد، اولین مرحله تربیت را پیموده است. از دیدگاه حضرت علی(ع) تعلیم و تربیت در مکتب اسلام به دوران کودکی و جوانی منحصر نمی شود، اگرچه دو دوران مذکور از نظر شکل گیری، حساس ترین دورانهای زندگی آدمی است؛ ولی به این دلیل که اصول و قوانین جاری در اجتماع اسلامی با ارزشهای روحی آبیاری می شود، افراد این اجتماع همواره خود را در یک جریان مستمر احساس می کنند.

واژگان کلیدی: تربیت، رب، عبودیت، تربیت اسلامی، خردورزی

## مقدمه

اسلام در تربیت چهره‌ای ممتاز دارد، برخلاف نظام‌های متداول تربیتی که فاقد جهت متعالی و هدف الهی است، اسلام دارای زیربنای معنوی و جهان‌بینی خدایی است و جهان را از مرز تنگ ماده‌پرستی و طبیعت‌گرایی و زندگی را از تنگنای بی‌سرانجام از زادن تا مردن که انسان را مانند جانور می‌سازد، فراتر می‌برد و به سوی خدای بزرگ می‌کشد و توحید را به عنوان فلسفه جهان‌بینی و معاد را به عنوان فلسفه زندگی مطرح می‌سازد [۱]. در بیان مشخصات تربیت در اسلام می‌توان گفت آموزش و پرورش اسلامی براساس متافیزیک و اعتقاد به اصول دین و برنامه‌های انسانیت استوار است و رعایت اصول اخلاقی را ضروری می‌داند. تربیت اسلامی، عقل و علم را ملاک یافتن حقیقت و ضابطه رستگاری تلقی می‌کند و بر دو اصل تزکیه و تعلیم تکیه دارد [۲]. طریقه اسلام برای تربیت عبارت است از رسیدگی همه‌جانبه به سرشت و فطرت انسان که همه امور را در نظر گرفته و از هیچ چیزی غفلت ننموده. اسلام به تربیت جسم و عقل و روان انسان می‌پردازد و شامل زندگی معنوی و حیات مادی می‌شود و همه فعالیت‌های انسان را دربر می‌گیرد [۴]. اسلام اصالت را به تربیت می‌دهد و تعلیم و آموزش را وسیله و مقدمه آن می‌داند. سرشت انسان رو به سوی نیکی و صلاح و خیر دارد و مورد توجه خاص اسلام است. مشخصات تربیت در اسلام و آنچه در این نظام تربیتی حائز اهمیت است و سبب امتیاز نهادن بدان می‌شود، عبارت است از جامع بودن تربیت، عبادی بودن آن، هماهنگی تربیت اسلامی با فطرت، متکی بودن بر علم و یقین و تزکیه و تعلیم [۵].

## مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

## مبانی نظری

### مفهوم شناسی تربیت

تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است. ربّ در اصل به معنای تربیت است و ربّ به طور مطلق فقط بر خداوند اطلاق می گردد که متکفل اصلاح موجودات است. مفهوم تربیت اسلامی، تفسیرپذیر است [۶]. تربیت اسلامی، مفهومی است مرکب از تربیت و اسلام که هر دو از حیث معنایی بسیار انعطافپذیرند. تفسیر مفاهیم تربیت و اسلام، متنوعتر از آن است که بتوان به توافقی زبانشناختی در جهت تحصیل یک معنای پایه برای تربیت اسلامی رسید [۷]. تربیت اسلامی طیف وسیع و البته گشوده‌های از معانی را به فراخور تنوع معنایی تربیت و گوناگونی معنایی اسلام در قرائتهای ملت‌های دنیا، به خود اختصاص میدهد. از آنجا که درنهایت، این مفهوم بنابر تنوع معنایی خود، دلالت‌های مختلف و حتی متقابلی برای عمل تربیتی و نظام آموزشی دربر خواهد داشت. ارائه تعریف روشن و قابل دفاعی از تربیت اسلامی که متلاطم با مبانی و اصول پایه دین اسلام باشد، ضرورتی انکارناپذیر است [۸].

## جایگاه عقل و تفکر در تربیت اسلامی

خردورزی به عنوان یک اصل تربیتی لازم است که به این مطلب توجه شود که انسان موجودی عاقل است و می تواند به حل مسائل مختلف زندگی و جامعه خود بپردازد. طبیعی است که اگر به این مطلب، یعنی پرورش عقل، این مساله که انسان می تواند مسائل خودش را شناسایی و حل کند، توجه نشود برنامه تربیتی به نتیجه و هدف نرسیده است [۹]. اندیشیدن و تفکر به عنوان یک امتیاز انسان و به عنوان یک زمینه که می تواند تمام جهات زندگی انسان را بارور کند، لازم است به عنوان مبنا و اصل در تربیت مورد توجه قرار بگیرد و روی این زمینه کار شود. اگر به این مطلب عنایت شود، بطور کلی انسان را در یکی از ابعاد مهم شخصیتی رشد داده و پیش برده است و توانسته انسانیت را که از امتیازات خاص آدمی است، به او بدهد و در این جهت او را بارور سازد. تربیت می بایستی بر مبنای خرد و پرورش خرد و تعقل و عقل، حرکت کند و می توان گفت که این موضوع از زمینه های اساسی تربیت است [۱۰].

## نقش عقل ورزی در تربیت اسلامی

در زمینه عقل ورزی در تربیت اسلامی، به این نکته باید اشاره شود که در قرآن مجید از تفکر به عنوان یک مفهوم مجرد سخن به میان نیامده است. اگر به آیات بنگریم بیشتر سخن از افلا یعقلون، افلا یتفکرون، یتدبرون، تعقلون و بطور کلی فرآیند عقل و اندیشیدن است و این مساله مهمی است [۱۱]. حتی قرآن مجید وقتی درباره افرادی که نمی اندیشند صحبت می کند باز سخن از این است که این نیرو را به کار نمی گیرند، یعنی از عقل استفاده نمی کنند. در آیات آمده است که: "دلهاشان سخت شده است و نمی اندیشند" یا "چشم دارند و نمی بینند" یعنی، نمی اندیشند و فکر نمی کنند. بطور کلی جریان فکر و اندیشه در سراسر قرآن به چشم می خورد و این امتیاز را به انسان می دهد. حتی در آن زمان که ویژگیهای انسان را برمی شمارد براندیشیدن، مفهوم سازی و درک مفاهیم تاکید می نماید [۱۲]. این مساله ای است که باید به آن توجه ویژه ای بشود. باید تمام بستر حرکت انسان در این زمینه باشد؛ یعنی، از عقل و اندیشه خویش استفاده کند. حتی وقتی مولای متقیان حضرت علی (ع) در مورد عقل مسموع یا عقل مطبوع سخن می گویند، می فرمایند: "عقل مسموع و عقل مطبوع ... یا عقلی که در سرشت انسان هست نمی تواند فایده داشته باشد مگر این که انسان آن را به کار گیرد" یعنی، باز هم خردورزی و تعقل در این زمینه مطرح هست. در تربیت اسلامی باید به این مساله توجه شود که اندیشه انسانها، فکر آنها و تعقلشان بارور شود.

برای تحقق اندیشیدن و تفکر در تربیت اسلامی چه راههایی وجود دارد؟

برای تحقق اندیشیدن و تفکر در تربیت اسلامی سه روش را می توان دنبال کرد. البته براساس آنچه در متون اسلامی وجود

دارد:

۱ - مشاهده و دیدن. قرآن در این زمینه بسیار تاکید دارد که نگاه کنند، ببینند، مشاهده کنند، خودشان را نگاه کنند و اطرافشان را بنگرند. حتی اگر به سوره های قرآن بنگریم اکثر سوره ها به نام طبیعت، آسمان و حیوانات است، حتی به اینها سوگند هم خورده است یعنی می خواهد که انسان به مسائل اطرافش توجه کند.

۲ - تجربه. حدیث داریم که "العقل غریزه تزید بالعلم و التجارب" یعنی، عقل یک غریزه و توان و استعدادی است که با علم و تجربه افزایش می یابد.

۳ - دانش. آدمیان با علم و دانایی و دانش، می توانند عقل خود را افزایش دهند [۱۳].

اگر انسانها به مشاهده طبیعت و مشاهده خودشان بپردازند، اگر تجربه کنند و اگر دانشها را کسب کنند، عقل آنها افزایش می یابد. آیا تعقل و تعبد با یکدیگر منافات دارند و می توان آنها را مقابل یکدیگر قرار داد یا نه؟ درباره تعبد و تعقل باید گفت که این دو مفهوم را نباید رو به روی هم قرار داد. تعقل و اندیشیدن در صفات الهی و در راهی که خدا تعیین کرده و حرکت در این زمینه نوعی عبادت است، بنابراین نمی توان گفت این تعبد است و آن تعقل. اصولا هر عمل عقلانی و هر کار عقلانی نوعی عبادت و بندگی است و باید قدری مفهوم عبادت را توسعه داد [۱۴].

## عبودیت

عبادت و عبودیت و تعبد عبارت از آن است که: انسان در مسیری که خدا تعیین کرده است حرکت کند و تعقل یکی از آن راههاست. بنابراین اگر به این معنا بگیریم تعقل نوعی عبودیت و تعبد است اینکه، کسی که تعقل می کند و در این زمینه حرکت می نماید ممکن است عبد یا عبودیت را نداشته باشد اصلا صحیح نیست و عبودیت یک مفهوم عامتری است و تعقل را هم در برمی گیرد. کوتاه سخن این که به یک مساله باید توجه شود و آن اینکه علم و تجربه، عقل انسان را افزایش می دهند، هر چه انسان دانایتر و عالمتر شود از عقل و اندیشه بیشتری برخوردار است و از آن می تواند بهره بگیرد و بطور طبیعی دیندارتر است [۱۵]. این مساله که گاهی علم و دین یا تعقل و دین را مقابل هم قرار می دهند بطور کلی برداشتی است که نمی تواند آنچه را که دین مطرح می کند برساند. دین بر مبنای عقل و علم حرکت می کند. هر چه علم پیشرفت کند و تعقل بیشتر شود انسانها بیشتر شناخت پیدا می کنند و بطور طبیعی می توانند مفاهیم دینی را بهتر تحلیل و تبیین کنند. هر چه مفاهیم علمی روشن تر باشد می تواند مفاهیم دینی را روشن تر کند. این که گاهی در این زمینه واژه ای وجود دارد ممکن است معلول درک نکردن مفهوم تعقل یا علم یا مفهوم دین باشد [۱۶].

### چه راههایی برای کنترل رفتار لازم است؟

اصولا برای کنترل رفتار دو نوع مهار یا شیوه انضباطی مطرح است: اول: مهار درونی، دوم: مهار بیرونی. مقصود از مهار بیرونی، تمام دستگاههایی است که بر رفتار می تواند نظارت داشته باشد و آنها را کنترل کند، مثل والدین، دستگاههای مختلف تربیتی. بطور طبیعی اینها در بیرون هستند و نظارتهاشان، نظارتهای خارجی است، ولی مساله دیگری که در تربیت مطرح است این است که اگر در درون فرد قواعد، ضوابط و مقرراتی آموخته شود یا فرد کسب کند که خودش به انضباط و نظم رفتار خودش بپردازد کارسازتر است [۱۷]. چون همیشه با فرد هست و زمانی که فرد می خواهد حرکتی بکند به جای این که دیگران به او بگویند این کار را بکن یا نکن خودش این جلوگیری را در خود انجام می دهد یعنی، نسبت به این مطلب آگاهی پیدا می کند و درک می کند که لازم است این کار را انجام ندهد [۱۸]. بنابراین این مهار درونی به عنوان یک مساله ای که همیشه با انسان هست و همیشه انسان را در جهت خیر خودش می اندازد، کارسازتر و لازم تر است. تربیت مستلزم مهار پاره ای از اعمال و رفتارهاست. آیا می توان از رشد مهار درونی در برابر مهار بیرونی به منزله یک اصل در تعلیم و تربیت سخن گفت؟ اگر تربیت را به دو معنا، یکی انجام کارهای درست و دیگری ترک کارهای نادرست در نظر بگیرند، آنچه که فرد را وادار می کند به انجام عمل و باز می دارد از انجام ندادن کاری، همان مهار درونی است. مهارهای بیرونی یا کنترلهای بیرونی ممکن است باشند یا نباشند یا ممکن است فرد از آنها فرار کند. ولی کنترل درونی همیشه با فرد است یعنی، فردی که خودش را مقید می داند که کاری را انجام دهد، انجام می دهد و کاری را انجام ندهد آنرا انجام نمی دهد [۱۹].

### هدف تربیت:

در هر کاری پیش از هر چیز باید هدف آن کار مشخص باشد تا بتوان برای وصول به آن هدف برنامه ریزی کرد و راههای رسیدن به آن را مشخص ساخت و امکانات لازم را به کار گرفت. در تربیت نیز باید اهداف مشخص باشد و بدانیم چگونه انسانی می خواهیم تربیت کنیم و بر فرض که تربیت مؤثر واقع شد چه تحولی در انسان حاصل می گردد؛ و نیز بدانیم غایت تربیت چیست و با وصول به کدام اهداف کلی می توان به سمت آن غایت سیر کرد [۲۰].

### غایت تربیت

غایت تربیت باید متناسب حقیقت انسان باشد؛ همان مقصدی که آدمی برای آن آفریده شده است و آفریدگارش بدان می خواند. چنانچه این امر فراموش گردد، راه نیز فراموش می شود و انسان به بیراهه می رود و مقاصدی را دنبال می کند که با حقیقت وجودی اش سازگار نیست و پا در راههایی می گذارد که او را به مقصد کمال نمی رساند؛ و این امر سبب گمگشتگی و تباهی انسان می شود [۲۱]. و لا تکنونوا کالدین نسوا الله فانساهم انفسهم اولئک هم الفاسقون. و مانند کسانی مباشید که خدای را

فراموش کردند و خدا خودشان را فراموششان ساخت. اینان همان فاسقانند. خدای متعال غایت و هدف است و چون غایت و هدف فراموش شود، انسان از حقیقت خود بیگانه می شود، و ریشه و اساس همه سرکشیها و نابسامانیها و تباہگریها در اینجاست؛ و البته رفتن به سوی غایت و هدف جز با سعی و تلاش و هجرت و جهاد میسر نیست [۲۲]. یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه. ای انسان، همانا تو به سوی پروردگارت سخت کوشنده و رونده ای، پس او را ملاقات خواهی کرد. انسان کادح به سوی خداست. کدح در اصل به این معناست که چیزی بر چیزی تأثیر گذارد و انک کادح یعنی: ای انسان، تو به دست آورنده و کسب کننده زحمتی؛ و کدح به معنای تلاش و آزمندی و کار تواءم با رنج است، و به دلیل اینکه با الی متعدی شده است در آن معنای سیرنهیفته است و چون عبارت فملاقیه عطف بر کلمه کادح است، با این بیان مشخص می شود که هدف نهایی این سیر و تلاش و سختی خدای سبحان است [۲۳]. امام خمینی (ره) درباره تعلیم و تربیت کودکان به معلمان و مربیان چنین رهنمود داده است: شما باید آنها را از عبودیت غیر خدا بازدارید و به عبودیت خدا، به بندگی خدا آنها را تربیت کنید. اگر چنانچه انسان از راه عبودیت خدا در جامعه وارد شد یا به امور نظر انداخت، از این راه و وقتی از این کانال وارد شد، کارهایش همه الهی می شود. اگر انسان فقط عبودیت خدا را و فقط بندگی خدا را بپذیرد و از عبودیت سایر چیزها یا سایر اشخاص احتراز کند، از کانال عبودیت خدا در دنیا وارد بشود، در طبیعت وارد بشود، از کانال عبودیت خدا مدرسه برود، در وزارتخانه وارد بشود، در جامعه وارد بشود، هر کاری که انجام بدهد عبادت است، برای اینکه مبدا عبودیت خداست [۲۴]. همانگونه که ملاحظه کردید در قرآن شریف و همین طور در نماز وقتی که نماز می خوانید، نسبت به رسول اکرم عبده و رسوله عبد را بر رسالت مقدم داشتند و ممکن است که اصل این اشاره به این باشد که از کانال عبودیت به رسالت رسیده است، از همه چیز آزاد شده است و عبد شده است، عبد خدا، نه عبد چیزهای دیگر. دو راه بیشتر نیست، یا عبودیت خدا، یا عبودیت نفس اماره. این دو راه است [۲۵]. اگر انسان از عبودیت دیگران آزاد بشود و عبودیت خدا را بپذیرد که لایق این است که انسان عبد او باشد، کارهایی که انجام می دهد، انحراف ندارد؛ یعنی انحراف عمدی نخواهد کرد. به همین ترتیب و با توجه به اهمیت موضوع میتوان گفت مهمترین وظیفه یک معلم هدایت جامعه است به سوی الله. به بیان دیگر امام خمینی (ره): همه تلاش معلمان الهی در این جهت بوده است که آدمیان را به سوی الله هدایت کنند. برای سیر به سوی غایت تربیت باید به اهدافی کلی دست یافت که رابطه شان با هدف غایی رابطه ای طولی باشد، و وصول به این اهداف اتصاف به آن غایت را ممکن و میسر سازد [۲۶]. این اهداف را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱. اصلاح رابطه انسان با خدا

۲. اصلاح رابطه انسان با خودش

۳. اصلاح رابطه انسان با جامعه

۴. اصلاح رابطه انسان با طبیعت

۵. اصلاح رابطه انسان با تاریخ [۲۷]

انسان مطلوب نظام دین کسی است که این اصلاحات در او تحقق یافته باشد و در پرتو این اصلاحات، آن شود که باید.

۱. اصلاح رابطه انسان با خدا

در میان این اهداف کلی، اصلاح رابطه انسان با خدا اساسی ترین هدف است، زیرا تا رابطه انسان با خدا اصلاح نشود، هیچ امری بدرستی اصلاح نمی شود، و چون این رابطه اصلاح شود، اصلاح دیگر امور بدرستی ممکن می شود. از امیر مؤمنان علی (ع) روایت شده است که فرمود: من اصلاح ما بینه و بین الله اصلاح الله ما بینه و بین الناس، و من اصلاح امر آخرته اصلاح الله له امر دنیا. هر که (رابطه) میان خود را با خدا اصلاح کند، خدا (رابطه) میان او و مردم را اصلاح کند، و هر که کار آن جهان خود را به صلاح آورد، خدا کار این جهان او را اصلاح کند. تلاش تربیتی انبیا برای این بوده است که با گشودن راه بندگی خدا و نفی هر معبودی جز او انسانها را به غایت تربیت سوق دهند [۲۸].

۲. اصلاح رابطه انسان با خودش

از مهمترین اهداف تربیت اصلاح رابطه انسان با خودش است، بدین معنا که انسان خود را بشناسد و استعدادهایش را در جهت تکامل و سعادت خویش به کار گیرد. انسان در مسیر زندگی خود در هر جهتی که باشد جز خیر خود جو سعادت زندگی اش نمی ندارد و برای این منظور باید نظر و عمل خود را اصلاح کند، به گونه ای که بر او عقل حکومت کند، نه نفس؛ و عمل خود را مطابق با واقع و نفس الامر و غایتی که ایجاد و صنع برای آن بوده است، مطابق و سازگار کند. نفسی که با چنین عملی طلب کمال می کند نفسی سعید و نیکبخت است و پاداش تمام زحمتهایی که متحمل شده و کوششهایی که انجام داده است درمی یابد و ضرر و خسروانی نمی کند. ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها. اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده اید، و اگر بدی کنید، به خود (بد نموده اید) تربیت نفس برترین تربیتهاست. هر که این اهتمام را نکند و در جهت اصلاح خود گام برندارد، استعدادهای الهی خویش را مدفون می کند و از عقل خویش بهره مند نمی شود [۲۹]. این حقیقت به زیبایی در سخنان برترین تربیت شده پیامبر، علی (ع) چنین آمده است:

من اهل نفسه افسد امره. هر که نفس خود را واگذارد، کار خود را تباه سازد [۳۰].

من لم یهدب نفسه لم ینتفع بالعقل. هر که نفس خود را پاکیزه نگرداند، از عقل بهره ای نگیرد [۳۱].

بدین تربیت پرداختن به اصلاح نفس از مهمترین اهداف تربیتی است که بدون آن وصول به اهداف دیگر میسر نیست. الاشتغال بتهدیب النفس اصلاح پرداختن به پاکیزه کردن نفس بهترین کار است [۳۲].

### ۳. اصلاح رابطه انسان با جامعه

انسان موجودی اجتماعی است و نمی تواند به سوی غایت تربیت جز در میان جمع و بر اساس روابط صالح اجتماعی سیر کند. انسان چه در حال آسایش و راحتی و چه در بلا و سختی لازم است قدرتهای مادی و معنوی خود را روی هم بریزد و کلیه شئون زندگی خویش را در پرتو روابط اجتماعی سالم و تعاون و همکاری اجتماعی به سامان رساند. خدای متعال اهل ایمان را به روابط اجتماعی صحیح فراخوانده و فرموده است:

یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون. ای کسانی که ایمان آورده اید، بردباری کنید و با هم سازش و پیوند کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید [۳۳].

### ۴. اصلاح رابطه انسان با طبیعت

شناخت طبیعت به عنوان مظهر حق و آیت الهی و تسخیر و بهره مندی درست از آن در جهت سیر به سوی کمال مطلق از اهداف مهم تربیت است. ان فی اختلاف الليل و النهار و ما خلق الله فی السماوات و الارض لآیات لقوم یتقون. همانا در آمد و شد شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده است برای مردمی که پروا دارند دلایلی (آشکار) است. دقت و تفکر در آفرینش هستی و لطایف صنع خدا و اتقان آن و دقایق طبیعت، انسان را به حقیقت هستی راه می نماید. اگر انسان با اصلاح دل و بینش خود به طبیعت بنگرد و در آن سیر کند و آن را به سخره گیرد و بهره مند شود می تواند به حق راه یابد [۳۴].

۵. اصلاح رابطه انسان با تاریخ دریافت انسان از جایگاه حقیقی خود در تاریخ و نگرش به حوادث تاریخی و سیر در آنها و کسب اعتبار از آنها و شناخت سنتهای حاکم بر تحولات و تطورات از اهداف اساسی تربیت است که با دستیابی به آن، انسان می تواند حال و آینده خود را چنانکه باید اصلاح کند. دعوت قرآن کریم به درک تاریخ گذشتگان و سیر در حوادث گذشته و توجه و دقت در سنتهای حاکم بر آنها، سیر دادن انسان به سوی مقصد تربیت است. لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب. هر آینه در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است [۳۵].

### تربیت در قرآن

طبق نظر امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد: که ربوبیت حق تعالی جلّ شأنه از عالمیان بر دو گونه است: یکی "ربوبیت عامه" که تمام موجودات عالم در آن شرکت دارند و آن تربیتهای تکوینی است که هر موجودی را از حد نقص به کمال لایق خود در تحت تصرف ربوبیت می رساند [۳۸]. و دوم از مراتب ربوبیت "ربوبیت تشریحی" است، که مختص به نوع انسانی است

و دیگر موجودات را از آن نصیبی نیست، و این تربیت هدایت طرق نجات و ارائه راه های سعادت و انسانیت (امام خمینی، تفسیر سوره حمد، صفحه ۴۵). غایت تربیت در سنت معصومین (ع) این است که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود، یعنی انسان متصف به اسما و صفات الهی گردد [۳۸]. انسان می تواند مظهر همه اسما و صفات الهی باشد و غایت تربیت انسان همین است، چنانکه در سخنی مشهور به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «تخلقوا باخلاق الله به اخلاق خدا متخلق شوید. همه تلاشها مقدمه این امر است که آدمی به سوی انسان کامل سیر کند. سلوک و عبادت، مبارزه و سیاست، حکومت و عدالت برای این است که مقدمات تربیت انسان به مقصد اتصاف به صفات الهی و ربانی شدن فراهم گردد. شایان ذکر است بسیاری از صفات الهی در دعای معروف و شریف جوشن کبیر شمرده شده است [۳۹].

### کونوا ربانیین (ربانی باشید).

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: تمام عبادات وسیله است، تمام ادعیه وسیله است، همه وسیله این است که انسان این لبابش ظاهر بشود. آنچه بالقوه است و لب انسان است به فعلیت برسد و انسان بشود [۳۹]. انسان بالقوه، انسان بالفعل شود، انسان طبیعی یک انسان الهی بشود، به طوری که همه چیزش الهی بشود، هر چه می بیند، حق ببیند، انبیا هم برای همین آمده اند. همه اینها هم وسیله اند دعوت انبیا به بندگی خدا، دعوت به الهی شدن و ربانی شدن است، زیرا بندگی خدا راه اتصاف به صفات و کمالات الهی است. آدمی به میزانی که در مدارج و مراتب بندگی بالا می رود، به میزان بالاتری از ربوبیت دست می یابد؛ و تربیت برای همین است [۴۰]. به بیان امام صادق (ع): العبودیة جوهره کنهها الربوبیة، فما فقد فی العبودیة وجد فی الربوبیة، و ما خفی عن الربوبیة اصیب فی العبودیة بندگی (حقیقی) جوهره ای است که اساس و ذات آن ربوبیت است. پس آنچه در مقام عبودیت کم و ناپیدا شود، در مقام ربوبیت پیدا و هویدا گردد؛ و هر مقداری که از مراتب و صفات ربوبیت مخفی و پوشیده شود، در مراحل عبودیت جلوه گر و آشکار گردد. (هر چه انسان عبدشود، رب می شود و به میزانی که در مسیر عبودیت گام برمی دارد، در ساحت ربوبیت بالا می رود و هر چه از خود می گذرد و می گذارد، به تواناییها می رسد و مالک امور می شود و به صفات الهی متصف می گردد). انسان باید بدین مقصد سیر کند که پیوسته از پستیها و کاستیها پاک شود و استعداد های عالی و کمالی خود را شکوفا سازد و چنان به کمالات الهی و صفات ملکوتی آراسته گردد که شایسته ورود به ساحت قدس الهی و درگاه ربوبی شود و انسانی الهی گردد. چشم او الهی شود و با چشم حق بنگرد و گوش او گوش الهی شود و به گوش حق بشنود؛ انسانی که همه توجهش به خداست و فقط او را دوست می دارد و قلبش تنها برای او خاضع است. چنین انسانی هر جمال و کمالی را در جایی مشاهده می کند آن را نمونه ای از کمال بی پایان و جمال بی مثال و حسن بی حد و انتهای خدای سبحان می بیند [۴۱]. او می داند که هر حسن و کمال و جمالی مال اوست و هر کس هر چه دارد از اوست زیرا همه آیات و نشانه های اویند و از خود استقلالی ندارند و از ذات او حکایت می کنند. عشق الهی تمام وجود چنین بنده ای را احاطه می کند و جز محبت حق چیزی بر قلب او حکومت نمی کند، به چیزی نمی نگرند مگر برای آنکه آیتی و نشانه ای از ذات بی مثال اوست و خلاصه آنکه عشق و علاقه خود را از همه چیز برمی گیرد و ویژه او می سازد و هیچ چیز را جز برای او و در راه او دوست نمی دارد. در این حال هیچ چیز را نمی بیند مگر آنکه خدای سبحان را پیش از آن و با آن مشاهده می کند و همه چیز نزد او از درجه استقلال ساقط می شود، چنانکه علی (ع) برترین نمونه تربیت فرموده است: ما رأیت شیئا الا و رأیت الله قبله و بعده و معه. هیچ چیز را ندیدم مگر آنکه خدا را پیش از آن و پس از آن و با آن دیدم. مردم هر چیز را از پشت حجاب استقلال می بینند و چنین بنده ای هر چیز را چنان می بیند که هست. او محبوبی جز خدا ندارد و خواستار چیزی نیست جز برای او و جز او را نمی جوید و مقصدی جز او ندارد؛ و از غیر او نمی طلبد و از غیر او نمی ترسد و فعل و ترک، و انس و وحشت، و خشنودی و خشم او فقط به خاطر خداست. سر منزل مقصود او خدا، و زاد و توشه او ذلت بندگی، و راهبر و راهنمای او شوق و محبت الهی است. در حوزه تعلیم و تربیت از منظر اسلام، انسان با سرمایه های فطری، علمی، حسی، تجربی، عقلی و وحیانی می خواهد به برای خداوند بپرواند و تنها نظام اسلام است که می تواند این «عبد» عبودیت برسد؛ یعنی نظام تربیتی اسلام می خواهد عبودیت را تفسیر کند. بنابراین این وظیفه ما

معلمان بسیار خطیر می باشد و هدایت به رسیدن به قرب الهی انسانها برای ما زیبا ترین خواهد بود که همان جمله معروف معلمی شغل انبیاست [۴۲].

### بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که تربیت را می توان رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگی همه نیروها و استعدادهای آدمی دانست. تربیت، ارائه نوعی زندگی است که با ساخت شخصیت انسان مطابقت دارد و بر ارزشهای معنوی وی مبتنی است. استاد مطهری، تربیت را عبارت از به فعالیت درآوردن استعدادهای درونی که در شیء هست، می داند. اسلام اصالت را به تربیت می دهد و تعلیم و آموزش را وسیله و مقدمه آن می داند. سرشت انسان رو به سوی نیکی و صلاح و خیر دارد. برخی از مولفان در تعریف تربیت به ابعاد شخصیت توجه کرده و گفته اند تربیت راهنمایی همه جنبه های شخصیت فرد یا پرورش کودک در تمام نواحی وجودی وی است. همه جنبه ها و تمام نواحی وجود، شامل ابعاد جسمانی و عاطفی، اجتماعی، عقلانی و معنوی شخصیت فرد می شود. تربیت می تواند شامل کوشش هایی شود که به منظور پرورش نوباوگان در مرحله معینی از حیات آنان صورت می گیرد و آنان را به سمت رشد و کمال پیش می برد. تعریف تربیت در اسلام را می توان از طریق بررسی مفاهیم و اصطلاحاتی که در این زمینه در قرآن و حدیث به کار رفته است، به دست آورد. تربیت از نظر لغوی، مصدر باب تفعیل و از ریشه ربو به معنای رشد و نمو و پرورش دادن است. در قرآن ماده تربیت و ریشه آن به کار رفته است و کلمه رب در بسیاری از آیات قرآن به کار رفته و به معنای پروردگار، پرورنده و مربی است.

این مطالعه نشان داد، بحث تعلیم و تربیت، بحث ساختن شخصیت انسان هاست. از نگاه امام علی (ع)، تنها فراگیری و انباشتن مغز از دانستنی ها و بزرگ کردن آئینه ذهن برای منعکس کردن نمودهای انسانی و جهانی محض، هدف زندگی نیست، اگرچه آن فراگیری گسترش بعد علمی انسان هاست؛ اما این گسترش مجرد ذهن، با میخکوب شدن آدمی در جمود، جز برگشتن به قهقرا هیچ نتیجه ای نخواهد داشت.

### منابع و مأخذ

۱. امید بیگی، عزت، (۱۳۹۱) **تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)**، دانشگاه آزاد تهران واحد مرکز،
۲. امین زاده، محمد رضا (۱۳۹۶) فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انتشارات در راه حق، اول،
۳. باقری، خسرو، (۱۳۹۴) **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، مدرسه،
۴. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۹۲)، **نهج الفصاحه**، چ ۴، تهران، دنیای دانش،
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۸۶)، الف، **غُرَرُ الْحِكْمِ وَ دُرَرُ الْكَلِمِ**، شرح آقا جمال خوانساری، چ ۴، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران،
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) **جامعه در قرآن**، قم، اسراء، سوم،
۷. حبیبی، یحیی، (۱۳۹۶)، عوامل تأثیرگذار در تربیت جوانان، **مجله طوبی**، ش ۱۷،
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۹ق)، **وسائل الشیعه**، تحقیق مؤسسه آل البیت (ع)، چ ۱، قم، مؤسسه آل البیت (ع)،
۹. حرّانی، حسن بن شعبه، (۱۴۱۴ق) **تحف العقول**، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
۱۰. حسنی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۷) **روش های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه**، مجله کوثر، ش ۷۵،
۱۱. حسین نوری، حاج میرزا (۱۴۱۱ق) **مستدرک الوسائل**، تحقیق مؤسسه آل البیت، چاپ سوم،
۱۲. حکیمی، محمد رضا و دیگران، (۱۳۹۰)، **الحیاء**، ترجمه احمد آرام، چ ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
۱۳. خدایاری فرد، محمد، (۱۳۸۴)، **مسائل نوجوانان و جوانان**، چ ۱، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران،



۱۴. خوانساری، جمال‌الدین، (۱۳۸۶) شرح غررالحکم، تصحیح محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران،
۱۵. داودی، محمد، (۱۳۹۰)، اخلاق اسلامی- مبانی و مفاهیم، بی‌نا، معارف،
۱۶. دراز، محمد عبدالله، (۱۳۸۷)، آیین اخلاق در قرآن، ترجمه، محمدرضا عطایی، چ ۱، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی،
۱۷. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، (۱۳۹۰)، اخلاق اسلامی، چ ۲، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت امور اساتید و دروس معارف،
۱۸. شبر، سید عبدالله، (۱۳۷۸)، اخلاق، تحقیق محمدرضا جباران، قم، هجرت،
۱۹. شریعتمداری، علی (۱۳۸۹) اصول تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، چاپ ششم،
۲۰. شریف‌الرضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، چاپ صبحی صالح، تحقیق فیض‌الاسلام، چ ۱، قم، هجرت،
۲۱. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۸)، فلسفه جدید تربیت، تهران، انتشارات اطلاعات،
۲۲. شوشتری، محمدتقی (۱۳۸۶)، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، امیرکبیر
۲۳. شیخ صدوق، (۱۳۸۹)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشر اخلاق،
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، روابط اجتماعی در اسلام، مترجم، حجتی کرمانی، (۱۳۸۰) تهران، انتشارات بعثت،
۲۵. طبرسی، فضل‌بن حسن، (۱۴۱۹ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، چ ۳، تهران، اسلامی،
۲۶. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۸۸)، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، چ ۲، تهران، انتشارات اسلام،
۲۷. فایقی، علی و آشتیانی، (۱۳۸۷)، محسن، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، چ ۲
۲۸. فیاض‌بخش، محمدتقی، (۱۳۹۹)، کرامت نفس در تربیت کودک، تهران، فردافر،
۲۹. قائمی، علی، (۱۳۹۸)، مجموعه‌های در زمینه شناخت، هدایت و تربیت، تهران،
۳۰. قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۸ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، بیروت، دار المرتضی،
۳۱. کریمی عبدالعظیم، (۱۳۹۵) آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی، تهران، ناشر عابد
۳۲. کریمی یوسف (۱۳۸۸) روان‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت، تهران، نشر ویرایش
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۷ق)، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیة،
۳۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۴ق)، بحار الأنوار، الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، چ ۲، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی،
۳۵. مرتضوی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، اصول و روشها در نظام تربیت اسلام، تهران، انتشارات گلنشر، اول،
۳۶. مطهری، (۱۳۸۱) تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات صدرا،
۳۷. منصورنژاد، محمد، (۱۳۹۴)، مجله پژوهشهای تربیت اسلامی، ش ۱،
38. Brinkerhoff, D , B , (20۱7) White, L , K , & Ortega, S ,T , **Essentials of sociology** , Belmont , Wadsworth, Pub Co,
39. Brooks, J , G (20۱۹) , **Schooling for life relearning the essence of learning** , Virginia, ASCD,
40. Rorty, R , **Contingency (۲۰۲۰), Irony, and Solidarity** , Cambridge University Press,

41. Rorty, Richard (۲۰۱۹) ، **Philosophy and social hope** ، armondsworth ، Penguin,
42. Rorty, Richard The dangers of over philosophication .**Educational Theory**.(۲۰۱۸)  
Winter, Vol .40, No ، 1, University of Illinois ,